

## نگاهی به تاریخچه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بنیانگذاری ۱۳۴۹ (۱۹۷۱)

### پیش گفتار

به دنبال کودتای سال ۱۳۳۲ خورشیدی (۱۹۵۳ میلادی) و سقوط دولت ملی و دموکراتیک به نخست وزیر دکتور مصدق، سیاست سرکوب و قتل آزادی خواهان ایرانی و اعمال اختناق بر کشور توسط رژیم محمد رضا شاه پهلوی به اجرا درآمد.

سیاست سرکوب با هدف قرار دادن مهم ترین سازمان های سیاسی آن زمان یعنی حزب توده ایران و جبهه ملی ایران که پایگاه اصلی فعالیت های آزادی خواهانه و عدالت طلبانه مردم ایران بودند، موفق گردید که اپوزیسیون سازمان یافته ایران را درهم بشکند. لیکن در اوایل دهه ۵۰ خورشیدی (دهه ۷۰ میلادی) زمزمه های مخالفت با رژیم دیکتاتوری شاه از نو شنیده شد و محافل روشنفکری تبدیل به مراکز فعالیت سیاسی گردید. اما جنب و جوش های سیاسی این مقطع کوتاه نیز به دلیل فقدان یک رهبری سیاسی با اتوریته در اپوزیسیون دموکراتیک، به سرعت از نفس افتاد و شاه با اتکا به یک رشته اصلاحات و به پشتوانه آنها، اعمال سیاست سرکوب خشن علیه مخالفان، دیگر بار ابتکار عمل را در دست گرفت و تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) به گونه استبداد فردی بر ایران حکومت کرد.

از اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ خورشیدی با ورود نسل جدید به صحنه مبارزه سیاسی که خواهان استقلال، آزادی و حاکمیت مردم و تحقق پیشرفت و عدالت اجتماعی و سوسیالیسم در کشور بودند، امر نقد و بررسی خطاهای سیاسی نیروهای دموکراتیک در دو دهه پیشین و استنتاج راه حل های نوین در دستور کار اپوزیسیون تازه نفس قرار گرفت. این روند با گسترش اعتراضات دانشجویی در اروپا و تحولات آمریکای لاتین همزمان بود. در این مقطع فعالین سیاسی جوان و بویژه دانش جویان ایرانی نسبت به جنبش های آزادی خواهانه و انقلابی که طی دهه های میلادی ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در کشورهای مختلف به ویژه در کوبا و ویتنام جریان داشت گرایش زیادی پیدا کرده بودند. از آنجا که این جنبش فاقد رهبری بود و حزب و سازمانی که برنامه و عمل آن اعتماد این نیرو را جلب کند، عملاً در صحنه سیاسی ایران حضور نداشت، تلاش محافل روشنفکری در اساس روی چگونگی پرکردن این خلا تمرکز داشت. بر بستر این تکاپوها بود که ایده مبارزه مسلحانه با رژیم دیکتاتوری شاه، در میان گروهها و محافل چپ انقلابی مستقل از هم بعنوان یگانه راه دستیابی به آزادی شناخته شد و اندیشه مرکزی و حاکم بر پراتیک روشنفکران جوان این دوره گردید.

### از بنیانگذاری تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ (۱۹۷۹)

نخستین گام های سازمانی و اقدام عملی در جنبش مسلحانه چپ انقلابی توسط بیژن جزنی و یارانش در اوایل دهه چهل خورشیدی برداشته شد. اما مجموعه تلاش های گروههای چپ انقلابی با سمتگیری مبارزه مسلحانه، سرانجام با حمله به یک پست ژاندارمری در جنگل های شمال ایران، ۱۹ بهمن ماه ۱۳۴۹ برابر با ۸ فوریه ۱۹۷۱ به اقدام عملی منجر گشت و اندک مدتی پس از این اقدام، تاسیس سازمان چریک های فدایی خلق ایران توسط دو گروه اصلی این جنبش (بقایای گروه جزنی- ظریفی و گروه پویان- احمدزاده - مفتاحی) اعلام شد.

در دوره ۸ ساله - از ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ - فدائیان خلق توسط رژیم دیکتاتوری شاه زیر شدیدترین حملات قرار داشتند و بیش از هر سازمان مخالف دیگری قربانی دادند. در این سالها نزدیک به ۳۰۰ فدایی خلق توسط رژیم شاه به قتل رسیدند. در این سال ها طی چهار دوره ضربه، اکثریت رهبران سازمان دستگیر و یا کشته شدند. با وجود این ضربات، سازمان پابرجا ماند.

یکی از مهلك ترین ضربات در ۲۰ فروردین ۱۳۵۴ (۱۹ آوریل ۱۹۷۵) رخ داد که در آن بیژن جزنی و ۶ نفر دیگر از بنیانگذاران سازمان به صورت مخفیانه در زندان شاه ترور شدند. این واقعه در زمانی رخ داد که ۸ سال از دستگیری و محکومیت آنها در زندان های رژیم می گذشت و محاکمه دومی هم انجام نشده بود. فدائیان در جریان انقلاب بهمن ۱۳۵۷ برابر با فوریه ۱۹۷۹ میلادی که رهبری آن به دست آیت الله خمینی افتاد، نقش موثر و فعالی را ایفا کردند. در این هنگام، اغلب نیروهایی که مخالف يك دولت مذهبی بودند، از فدائیان پشتیبانی می کردند. فداییان از سوی جامعه یک نیروی با اعتبار چپ مستقل شناخته می شد.

### از انقلاب بهمن تا دوره سرکوب

به دنبال پیروزی انقلاب، دفاتر فعالیت علنی سازمان در اغلب شهرهای ایران تاسیس شد. این دفاتر بعداً تبدیل به مرکز تجمع جوانان غیرمذهبی و عدالت خواه گردید. در نخستین انتخابات بعد از انقلاب، فدائیان ۱۰ درصد از آرا را به خود اختصاص دادند. در این مقطع، فدائیان خلق در مقام اپوزیسیون چپ و رادیکال حکومت دینی، موقعیت رهبری کامل یا مشارکت در رهبری جنبش های کارگری، دهقانی و ملی و اعتراض به سرکوبگری های نیروهای تازه به قدرت رسیده را احراز کردند.

در این بین بحث های درون سازمانی میان فدائیان در مورد انقلاب و ماهیت حکومت برآمده از آن به جریان افتاد که به بروز شکاف های متعدد در صفوف آن منجر گردید. در صدر این مسائل، نحوه مبارزه و چگونگی برخورد با حاکمیت، مهم ترین موضوع مورد بحث بود. اکثریت بزرگی از اعضای سازمان دیگر اعتقادی به مبارزه مسلحانه نداشتند و در شرایط سیاسی جدید که جمهوری اسلامی را بعنوان دولت ضد امپریالیستی میدانستند، خط مشی همراهی با توده های مردم - توده هایی که پیرو رهبری مذهبی بودند - را برگزیدند.

این اختلافات به انشعاب اقلیت سازمان از اکثریت آن منتهی گردید. سرانجام در روز اول ماه مه ۱۳۶۰ (۱۹۸۱) اجتماع عظیم یکصد هزار نفری فدائیان در میدان آزادی تهران برگزار گردید. در این روز رهبری سازمان خط مشی های جدید سازمان را اعلام کرد. از جمله اعلام شد که سازمان فدائیان دیگر يك جنبش چریکی نیست و يك سازمان سیاسی متعلق به طبقه ی کارگر ایران است و از این روز بعد بود که رسماً سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نامیده شد. از این پس سازمان سیاست اتحاد - انتقاد را نسبت به جمهوری اسلامی اتخاذ کرد. تا اوایل ۱۳۶۰ (اوایل دهه ۸۰ میلادی) که هنوز دولت اسلامی به طور کامل بر اوضاع مسلط نشده بود، سازمان فعالیت های نیمه علنی خود را ادامه می داد. ارگان رسمی سازمان "نشریه کار" با تیراژی بین صد تا سیصد هزار در هر هفته منتشر می شد. طی چهار سال تلاش برای ساختن ستون فقرات سازمان تعداد اعضا تشکیلات به ۲۰۰۰۰ نفر افزایش یافت. در میان این اعضا يك سوم زن - يك پنجم کارگر و سه پنجم دانشجوی و دانش آموز بودند. بخش قابل توجهی از هنرمندان و روشنفکران از سازمان پشتیبانی می کردند. سازماندهی بخش قابل توجهی از جوانان مرفعی غیرمذهبی در يك سازمان سیاسی سکولار تحت شرایط حاکمیت مذهبی، کمک به سازمانیابی صنفی کارگران و زحمتکشان، گذر از یک سازمان با تشکیلات محدود بیک سازمان سرتاسری و ارتقاء به سطح یک سازمان سیاسی سیاست ورز، از برجسته ترین اقدام سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بود.

### سال های سرکوب

علیرغم سیاست های سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مبنی بر احتراز از قرار گرفتن در حالت تقابل مستقیم با حکومت، بنیادگرایان حاکم حتی سیاست اتحاد- انتقاد سازمان ما را برتافتند و نتوانستند فعالیت ها و موجودیت فدائیان را تحمل کنند.

با این که در سالهای ۱۳۶۲- ۱۳۶۰ (۱۹۸۳- ۱۹۸۱) سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از سیاست های حکومت در زمینه های مختلف از قبیل اختلافات با عراق، مواضع ضد آمریکایی و جنبه های خاصی از اصلاحات اقتصادی آن، عمدتاً پشتیبانی می کرد ولی قانوناً اجازه فعالیت نداشت. در همان سال ها نیز احکام اعدام برای فدائیان صادر می شد و صدها مبارز فدائی در زندان به سر می بردند.

تعقیب و سرکوب همه جانبه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در بهار ۱۳۶۲ برابر با ۱۹۸۳ زمانی آغاز شد که حکومت اسلامی ساختارهای سیستم جمع آوری اطلاعات و شبکه های پلیسی خود را کامل نمود. حکومت اسلامی در جریان این سرکوب در نابود کردن بخش مهمی از رهبری سازمان ناکام ماند و رهبری توانست به موقع به خارج از کشور منتقل گردد.

در سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸ میلادی) خمینی قبل از مرگش دستور قتل عام زندانیان سیاسی ایران را صادر کرد. هزاران نفر از مخالفان سیاسی از جمله بیش از صد فدائی را در زندان ها بدون محاکمه سر به نیست کردند. این جنایت هولناک، نام "فاجعه ملی" به خود گرفت.

در دوره حکومت جمهوری اسلامی چندین هزار فدایی به زندان افتادند، صدها نفر از جمله ۸ عضو رهبری اعدام گردیدند و هزاران نفر به خروج و فرار از کشور مجبور شدند.

### سال های بحران

در طول دهه ۶۰ (دهه ۸۰) بر زمینه درنگ بر عملکرد و ماهیت حکومت بر آمده از درون انقلاب ایران و کسب شناخت واقعی تر از سوسیالیسم در اتحاد شوروی و با تاثیرپذیری از تحولات جهانی، بحران ایدئولوژیک و سیاسی و تشکیلاتی عمیقی سازمان را فرا گرفت.

محور اصلی بحث های دوره بحران را، ارزیابی های غلط از جمهوری اسلامی، "سوسیالیسم عملاً موجود" و ساختار غیردموکراتیک درون سازمانی تشکیل می داد.

این بحران اگرچه تاثیر فلج کننده ای روی بخش هائی از سازمان و نیز کل پراتیک و عملکرد جاری سازمان داشت. اما در همان حال زمینه ساز و بستر آفرین دگرپرسی های ژرف در دیدگاهها، سیاست ها و حیات درون حزبی سازمان شد. این بحران، بحران رشد بود و مضمون اصلی تحولات ناشی از آن، رویکرد بنیادی سازمان به امر دموکراسی و دموکراتیزه تر کردن رفتار های خود چه در برون و چه در درون بود. در همین دوره حقوق اعضا برای ابراز آزاد نقطه نظرات شخصی و مستقل تامین گردید و این تحول که نخستین گام در تجدید ساختار سازمان بود، راه را برای تدارک نخستین کنگره هموار کرد.

### دهه ۱۳۷۰ (۱۹۹۰)

در تابستان سال ۱۳۶۹ (اوت ۱۹۹۰) نخستین کنگره سازمان در خارج از کشور برگزار گردید. کنگره عمده توجه خود را به بررسی مجدد سیاست گذشته، وضعیت سیاسی و روابط داخلی معطوف نمود. کنگره با برخورد نقادانه به عملکرد رهبری وقت، مسئولیت هدایت سازمان را به يك گروه جدید سپرد و فراخوان برای برگزاری کنگره دوم در سال بعد را اعلام نمود. در پی تشکیل کنگره و با توجه به دست آوردهای آن، زمینه برای وحدت اراده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با پذیرش تفاوت نظر فراهم شد و همبستگی میان فعالان سازمان تحکیم یافت. سال های دهه ۷۰ خورشیدی با تغییرات عمده ای در نگرش و سیاستهای سازمان همراه بود. طی آن، دموکراسی به عنوان هدف فوری و اساسی سازمان اعلام و بر پیوند تنگاتنگ دموکراسی و عدالت اجتماعی تاکید گردید. تفاوت نظرها و حضور گرایشهای فکری - سیاسی به طور رسمی پذیرفته و مورد پشتیبانی قرار گرفت. کنگره نخست، آن بخش از عملکرد های رهبری سازمان را که منجر به حمایت وسیع از جمهوری اسلامی شد و آن سیاست هایی که خصلت و روحیه چپ مستقل در سازمان را مخدوش نموده بود، مردود دانست و آنها را آسیب زننده جدی به سیمای فدائیان خلق ایران و نیز کل جنبش دموکراتیک و ترقیخواه ایران ارزیابی کرد. کنگره سوسیالیسم را به عنوان هدف نهایی سازمان مورد تاکید قرار داد و تلاش های چند ساله برای آنکه سازمان

سیمای چپ مستقل بر خویش گیرد، را تثبیت نمود. کنگره دوم تصمیم گرفت که هر دو سال يك بار کنگره سازمانی فراخوانده شود. از آنزمان تا کنون هر دو سال یکبار کنگره های سازمان بطور ادواری برگزار شده، اسناد دیدگاهی، برنامه ای و کارپایه سازمانی طرح و مورد تصویب قرار گرفته، وضعیت سیاسی کشور بحث و بررسی شده و سیاست های ضرور برای هدایت سازمان در فاصله بین دو کنگره اتخاذ گردیده است. در کنگره دهم که در فوریه ۲۰۰۷ برگزار شد سیاست اتحادها در کانون بحثها قرار داشت. کنگره بر سیاست نزدیکی نیروهای جمهوریخواه، دمکرات و سکولار، و اتحاد وسیع این نیروها با هدف تقویت نقش آنها بعنوان بدیل جمهوری اسلامی تاکید کرد.

### به سوی آینده بهتر

در ایران بنیادگرایی هم چنان حکومت می کند. لیکن اکثریت مردم ایران از رژیم فعلی ناراضی هستند. هدف مردم ایران از انقلاب ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) برکناری رژیم دیکتاتوری و پایان دادن به فساد و بی عدالتی بود. اما جمهوری اسلامی نه تنها این خواسته ها را برآورده نکرد، بلکه به جای آن تبعیض مذهبی علیه پیروان مذاهب دیگر و حتی شیعیان "غیر خودی"، سرکوب سازمانیافته دگر اندیشان، تحقیر و آزار زنان ایرانی را به رویه جاری تبدیل کرد و به آنها شکل قانونی بخشید.

تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، فاصله طبقاتی میان فقیر و غنی افزایش یافته و امکانات اجتماعی و اقتصادی کشور به خصوص با مهاجرت میلیونها نفر از اقشار تحصیل کرده صدمه بسیار دیده است. از هم گسیختگی ملی رواج یافته و سیاست ماجراجویانه خارجی جمهوری اسلامی منجر به انزوای سیاسی هر چه بیشتر کشور گشته است.

ما فدائیان به عنوان یک سازمان سکولار با سابقه و ریشه دار ایرانی می خواهیم يك جمهوری پارلمانی و دمکراتیک جایگزین تئوکراسی فعلی درکشورمان شود. ما برای گذر از استبداد مذهبی به دمکراسی در شکل مسالمت آمیز و برای برقراری حکومتی که آزادانه توسط مردم کشور ما انتخاب شده باشد تلاش می کنیم. این اهداف مورد پشتیبانی مردم ایران است.

برای دست یابی به اهداف فوق، ما فدائیان از موضع ارزش های مدرن، دموکراتیک و سوسیالیستی حرکت می کنیم. ما از آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی و برابر حقوقی زن و مرد دفاع میکنیم و مدافع منافع کارگران و مزد بگیران هستیم. ما بعنوان نیروی مدافع صلح با جنگ مخالفیم و علیه هر نوع بنیادگرایی هستیم و این هر دو را از آفت های اصلی جهان امروز می دانیم. ما خواستار دنیائی هستیم که بر پایه همکاری بین المللی و همزیستی مسالمت آمیز میان ملت ها و فرهنگهای مختلف بنا شود. ما با سلطه گری دولت امریکا در خاورمیانه مخالفیم و از حل مسالمت آمیز مناقشه اعراب و اسرائیل و برسمیت شناختن دو کشور اسرائیلی و فلسطینی حمایت میکنیم.

ما نگران آینده این سیاره ایم و با همه آنانی که دغدغه جهانی امن، عاری از تبعیض ها، همبسته و عادلانه، آزاد و دموکراتیک دارند و خواهان کره زمین قابل زیست اند، خود را متحد و همسو می شناسیم. ما ناقد روند جهانی سازی بوده و بر فرآیند جهانی شدن که در آن شهروندان جهانی در تصمیمات اقتصادی و شغلی و تولیدی، سیاسی و اجتماعی بطوری فعالانه و آزادانه در سطوح محلی، منطقه ای و جهانی سهیم باشند، تاکید داریم. اگر متحدان تلاش کنیم سازماندهی جهانی دیگر ممکن است.

سپتامبر ۲۰۰۷